

هویت تحصیلی دانشجویان ایرانی: یک مطالعه کیفی □

Iranian College Students' Academic Identity: A Qualitative Study □

Hamidreza Aryanpour, PhD

Elahe Hejazi, PhD ✉

Javad Ejei, PhD

Masoud Gholamali Lavasani, PhD

دکتر حمیدرضا آریانپور*

دکتر الهه حجازی*

دکتر جواد اژه‌ای*

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی*

Abstract

The purpose of the present study was conceptualizing college students' Academic identity and identifying the components of it as one of the specific types of the identity, considering the socio-cultural structure and the context of higher education in Iranian society. To achieve this goal, a qualitative research method was used. Participants included 56 individuals (25 male students and 31 female students) who were studying in the fourth to sixth semesters of Ardakan University and sixth to eighth grade M.D. in medical and dentistry at the medical University of Shahid Sadoughi in Yazd. Focus groups were used for collecting data. In two universities, five focus groups were formed. The results of the theoretical coding showed that students' identity was composed of five components: academic commitment, academic self-Concept, future thinking, belonging to university and personal agency, influenced by factors such as basic psychological needs and leads to Numerous consequences such as change in academic self-efficacy and subjective well-being.

Keywords: academic identity, academic self-concept, belonging, future thinking, personal agency, academic commitment

چکیده

هدف پژوهش حاضر مفهوم سازی و شناسایی مؤلفه های تشکیل دهنده هویت تحصیلی دانشجویان به عنوان یکی از انواع خاص هویت، با توجه به ساختار فرهنگی- اجتماعی و بافت آموزش عالی جامعه ایران بوده است. برای دستیابی به این هدف از روش پژوهش کیفی و طرح نظریه پرخاسته از داده ها استفاده شده است. شرکت کنندگان در پژوهش شامل ۵۶ نفر (۲۵ نفر دانشجوی مرد و ۳۱ نفر دانشجوی زن) بودند که در نیمسال های چهارم تا ششم مقطع کارشناسی دانشگاه سراسری اردکان و ششم تا هشتم مقطع دکترای حرفه ای در رشته های پزشکی و دندانپزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد مشغول به تحصیل بودند. برای گردآوری داده ها، از روش گروه های کانونی استفاده شد و در دو دانشگاه مورد بررسی و پنج گروه کانونی تشکیل گردید. نتایج کدگذاری نظری نشان داد که هویت تحصیلی دانشجویان ایرانی از پنج مؤلفه تعهد تحصیلی، خودپنداشت تحصیلی، آینده اندیشی، تعلق به دانشگاه و عاملیت شخصی تشکیل شده است.

کلیدواژه ها: هویت تحصیلی دانشجویان، خودپنداشت تحصیلی، تعلق، آینده اندیشی، عاملیت شخصی، تعهد تحصیلی

□ Department of Educational Psychology and Counseling,
University of Tehran, I.R.Iran
✉Email: ehejazi@ut.ac.ir

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۲ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۲
* گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم
تربیتی دانشگاه تهران

● مقدمه

امروزه تحصیل در دانشگاه خواسته بسیاری از افراد است و هر ساله در سراسر دنیا افراد زیادی برای ورود به دانشگاه تلاش می کنند. در کشور ایران نیز سالیانه ده ها هزار نفر در رقابتی فشرده، برای ورود به دانشگاه اقدام می کنند. انتقال به آموزش عالی، مرحله ای مهم در چرخه زندگی افراد است و دامنه گوناگونی از هیجانانگیز را در برمی گیرد (استرایهورن، ۲۰۱۶). همچنین دوران دانشگاه، زمانی برای ایجاد هویت های جدید است (کمارایو و دیال، ۲۰۱۴) و متأسفانه برخی از افراد، برای اتخاذ و سازگاری با هویت دانشگاهی، چالش های متعددی را تجربه می کنند (دافی، ۲۰۱۳) و به همین دلیل به نظر می رسد بررسی هویت در محیط های دانشگاهی، یکی از مواردی است که بیشترین اهمیت و ارتباط را برای فهم عملکرد و شادکامی دانشجویان در این محیط منحصر به فرد دارد (وایت و لوونتال، ۲۰۱۱).

علیرغم اتفاق نظر نسبی که در بین روانشناسان در مورد تعریف مفهوم عام هویت وجود دارد، مفهوم «هویت تحصیلی»^۱ تعاریف گوناگونی را شامل شده است و همان طور که جنسن و جتن (۲۰۱۶) متذکر شده اند «هویت تحصیلی اصطلاحی بی ثبات است و به ندرت به شیوه ای ثابت در پژوهش های تجربی تعریف شده است و به همین دلیل، مشخص نمودن عوامل تشکیل دهنده آن نیز دشوار است». مفهوم هویت تحصیلی به طور عمده در دو معنی مختلف به کار رفته است. یکی از این معانی که مرتبط با «هویت حرفه ای»^۲ است، به هویت دانشگاهی اعضای هیئت علمی و مدرسان دانشگاه ها اشاره می کند (به عنوان مثال پژوهش کوئیگلی، ۲۰۱۱) و معنای دیگر به هویت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان اطلاق می شود، هر چند به نظر می رسد در مطالعات خارج از ایران، عمده تمرکز بر هویت تحصیلی دانشجویان بوده است تا دانش آموزان. یکی از پژوهشگرانی که گوناگونی معانی به کار برده شده برای واژه «هویت تحصیلی» را مورد بررسی قرار داده است دکانیدا (۲۰۱۴) می باشد. این پژوهشگر اظهار می دارد که سازه هویت تحصیلی در ادبیات موجود از تعریف واضحی برخوردار نیست. بر اساس بررسی دکانیدا (۲۰۱۴) برخی از پژوهشگران (مانند ویتترز،^۳ ۲۰۰۹) هویت تحصیلی را مربوط به تحول شغلی افراد در بافت آموزش عالی دانسته اند و دیگر پژوهشگران، این مفهوم را برای اشاره به «هویت وابسته به دانشگاه»^۴ (فویبرگ،^۵ ۲۰۱۲)، «هویت آموزشی» (حجازی و همکاران، ۲۰۱۰)، «هویت دانش آموز» و

«هویت وابسته به مدرسه»^۶ (هاوکینز، ۲۰۰۵) به کار برده‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در مورد دانشجویان، نشانگر مسیر رو به رشد توجه به مفهوم هویت تحصیلی آنها و مطالعه آن از ابعاد مختلف، به‌ویژه در سال‌های اخیر است. از جمله متغیرهایی که در ارتباط با هویت تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند می‌توان به پیشرفت تحصیلی (جنسن و جتن، ۲۰۱۸؛ مینز و همکاران، ۲۰۱۸؛ کاراناسکین و کاردلیس، ۲۰۰۵)، شیوه سواد (برزسکی، ۲۰۱۷)، تعهد به هدف، تعهد سازمانی و قصد ادامه دادن تحصیلات (باومن و فلیکس، ۲۰۱۷) انتظارات شغلی آینده (جنسن و جتن، ۲۰۱۶)، پیامدهای مثبت یادگیری (شهنی ییلاق و همکاران، ۲۰۱۴)، خودناتوان سازی (کربا، واز و ایساکسن، ۲۰۱۲)، فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی جدید (کاماچو، ۲۰۱۲)، خودکارآمدی و حرمت خود، اهداف و انگیزش خود تعیین شده (اوموندسن و همکاران، ۲۰۰۵)، نوع دانشگاه، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و حق انتخاب، سرمایه اجتماعی، چشم انداز شغلی، امید به آینده، رشته تحصیلی و درآمد خانواده (افراسیابی و خوباری، ۱۳۹۴)، راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، اهمال کاری (گزیدری، لواسانی و اژه‌ای، ۱۳۹۴)، عملکرد تحصیلی (احمدی، ۱۳۹۴)، سبک‌های تفکر، سبک‌های دلبستگی، جو عاطفی خانواده (رضازاده مهرجو، ۱۳۹۴)، اهمال کاری پژوهشی (غلامی، ۱۳۹۴) اشاره نمود.

معدودی از پژوهش‌ها نیز به بررسی عناصر تشکیل دهنده هویت تحصیلی پرداخته‌اند. از جمله *دانهام* (۲۰۱۶) در پژوهش خود پنج عنصر شامل: «نظریه خود»، «نشانگرهای پیشرفت»^۷، «باورهای عاملیت»^۸، «انگیزش و تمایلات» را به‌عنوان عناصر تشکیل دهنده هویت تحصیلی شناسایی نمود. همچنین دکانیدا (۲۰۱۴) در پژوهش خود، هویت تحصیلی را متشکل از: جهت‌گیری آینده، خودکارآمدی، اطمینان به توانایی‌های تحصیلی و «ستقامت» دانسته است. متیوز (۲۰۱۴) نیز هویت تحصیلی را متشکل از تفکر در مورد خودکارآمدی، خودگردانی، تعلق به مدرسه، درک اهمیت و احترام دانسته است.

علی‌رغم تفاوت مسائل هویتی در فرهنگ‌ها یا بافت‌های جغرافیائی مختلف (شهرآرای، ۱۳۸۴) و همچنین اهمیت «بافت» بر روی تجربه شخصی هویت تحصیلی (دانهام، ۲۰۱۶)، بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه هویت تحصیلی دانشجویان در *ایران*، نشان می‌دهد که تاکنون هویت تحصیلی دانشجویان ایرانی کمتر با استفاده از روش کیفی و از دیدگاه

روانشناختی و با تأکید بر بافت آموزشی و فرهنگی جامعه ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌های انجام شده در ایران در مورد هویت تحصیلی، یا در مورد جامعه دانش‌آموزان ایرانی بوده یا از دیدگاه جامعه‌شناختی مانند «نظریه هویت اجتماعی»^۹ به این مسئله پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت بررسی هویت تحصیلی دانشجویان در بافت فرهنگ ایرانی و پیامدهای آن به‌ویژه در زمینه‌های عملکرد تحصیلی، انگیزش تحصیلی و سلامت روان دانشجویان و همچنین شناخت علمی تری که از فرایندهای روانشناختی دانشجویان، برای برنامه‌ریزان آموزش عالی و متولیان دانشگاه‌ها در کشور فراهم می‌آورد، در صدد پاسخ به این سؤال بود که: «با توجه به ساختار حاکم بر نظام آموزش عالی ایران و بافت جامعه دانشجویی ایرانی، هویت تحصیلی دانشجویان چگونه است و از چه عناصری تشکیل یافته است؟»

● روش

با عنایت به اینکه هدف این پژوهش، مفهوم‌سازی هویت تحصیلی دانشجویان بوده است، بر همین اساس از روش کیفی و طرح «نظریه برخاسته از داده‌ها» (نظریه زمینه‌ای یا نظریه داده بنیاد) برای مفهوم‌سازی هویت تحصیلی دانشجویان استفاده شد. «پژوهش کیفی بر معنایی که افراد ذی‌ربط، یعنی شرکت‌کنندگان در فرایند اجرای پژوهش از پدیده مورد نظر در ذهن دارند، تأکید دارد» (بازرگان، ۱۳۹۱، ص ۲۹). شرکت‌کنندگان در پژوهش به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نمونه شامل ۵۶ نفر (۲۵ نفر دانشجوی مرد و ۳۱ نفر دانشجوی زن) بودند که در نیمسال‌های چهارم تا ششم مقطع کارشناسی دانشگاه اردکان و ششم تا هشتم مقطع دکترای حرفه‌ای در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد مشغول به تحصیل بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۲/۱۵ سال بود. در دو دانشگاه مورد بررسی، پنج گروه کانونی تشکیل شد: سه گروه کانونی در دانشگاه سراسری اردکان و دو گروه کانونی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. تعداد شرکت‌کنندگان در یکی از گروه‌ها (گروه علوم انسانی) ۸ نفر و در بقیه گروه‌ها ۱۲ نفر بود. هدایت گروه‌های کانونی بر عهده یکی از پژوهشگران این مطالعه بوده است. برای شناسایی مفهوم هویت تحصیلی دانشجویان، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. سؤال‌های مصاحبه در پژوهش حاضر بر مبنای چند عامل از جمله پیشینه پژوهش در زمینه هویت

و بر اساس نظریات /ریکسن، مارسیا، تاجفیل تدوین شد. برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه گروه‌های کانونی استفاده شد. قبل از انجام مصاحبه، سؤالات مصاحبه نیمه ساختار یافته در قالب برگه راهنمای مصاحبه، تدوین گردید. قبل از شروع هر جلسه و ضبط آن، ضمن سپاسگزاری از همراهی مشارکت‌کنندگان در فرایند پژوهش، شرح مختصری از اهداف و دلایل انجام پژوهش ارائه می‌شد و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده می‌شد که اطلاعات و سخنان آنها محرمانه خواهد ماند و صرفاً در جهت پژوهش استفاده خواهد شد. تمام جلسات گروه کانونی توسط نرم‌افزار ضبط صدا، ثبت گردید و بعد از آن تمام مباحث مطرح شده در درون گروه، به صورت نوشتاری بازنویسی شد و متن کامل جلسات برای کدگذاری، فراهم گردید. مشخصات گروه‌های کانونی این پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. مشخصات گروه‌های کانونی دانشجویان

نوع دانشگاه	گروه‌ها	گروه درسی	تعداد	مدت زمان مصاحبه	جمع
سراسری اردکان	گروه اول	علوم انسانی	۸ نفر (۵ زن و ۳ مرد)	۴۰ دقیقه	۵۶ نفر
	گروه دوم	کشاورزی	۱۲ نفر (۷ زن و ۵ مرد)	۷۴ دقیقه	
	گروه سوم	فنی و مهندسی	۱۲ نفر (۴ زن و ۸ مرد)	۸۸ دقیقه	
علوم پزشکی یزد	گروه پنجم	دندانپزشکی	۱۲ نفر (۸ زن و ۴ مرد)	۶۸ دقیقه	
	گروه ششم	پزشکی	۱۲ نفر (۷ زن و ۵ مرد)	۷۰ دقیقه	

تحلیل داده‌ها، ابتدا به صورت سطر به سطر انجام شد. سطر به سطر داده‌ها که در آغاز مطالعه برای تولید مقوله‌ها و مطرح ساختن روابط آنها با یکدیگر ضروری است (اشتراوس و کریبن، ۱۳۹۶) و تحلیل خرد نامیده می‌شود. پس از این مرحله به پرورش مقوله‌ها پرداخته شد. بدین صورت که پس از انجام کدگذاری و شناسایی مفاهیم مستتر در اظهارات شرکت‌کنندگان در مصاحبه گروهی، مفاهیم شناسایی شده دسته‌بندی شدند و هر یک از این دسته مفاهیم، تحت مفهومی گسترده‌تر و انتزاعی‌تر که مقوله نامیده می‌شود جای گرفتند.

در مرحله کدگذاری محوری به بازچینش داده‌هایی پرداخته شد که در جریان کدگذاری باز، خرد شده بودند تا از طریق این بازچینش، بتوان توضیحات تفصیلی و ویژگی‌های دقیق‌تری از موضوع مورد بررسی را به دست آورد. برای دستیابی به این هدف، مفاهیم به دست آمده در مرحله کدگذاری باز به مقوله‌های فرعی مرتبط شدند. به این منظور مقوله‌ای

که پژوهش برای شناسایی آن طرح ریزی شده بود و در قسمت های مختلف داده ها قابل ردیابی و شناسایی بود، به عنوان «مقوله هسته» انتخاب شد که در اینجا مقوله هسته، «هویت تحصیلی دانشجویان» بود. سپس کوشش گردید تا رابطه هر یک از مقوله هایی که قبلاً شناسایی شده بودند با مقوله هسته آشکار گردد.

● یافته ها

○ در این مطالعه برای شناسایی مفهوم هویت تحصیلی دانشجویان و مؤلفه های تشکیل دهنده آن، در مجموع ده سؤال از دانشجویان شرکت کننده در مصاحبه های گروه های کانونی پرسیده شد. اساسی ترین پرسش، سؤال اول بود؛ به نحوی که شیوه و ترتیب طرح پرسش های بعدی و ادامه جریان مصاحبه های گروه های کانونی، بر اساس نوع پاسخ های دانشجویان شرکت کننده به این پرسش، پیش رفت. سؤال این پژوهش این بود که: **مؤلفه های تشکیل دهنده هویت تحصیلی دانشجویان کدامند؟** اولین پرسشی که برای دستیابی به پاسخ این سؤال از دانشجویان پرسیده شد، عبارت بود از اینکه:

«چه برداشتی از خودتان به عنوان دانشجو دارید؟»

پرسش از دانشجویان درباره کیستی خودشان به عنوان دانشجو، یعنی برداشتی که از خود در قالب نقش دانشجو دارند، اولین و اصلی ترین سؤالی بود که برای شناسایی مفهوم هویت تحصیلی و مشخص نمودن مؤلفه های تشکیل دهنده آن، از شرکت کنندگان در گروه های کانونی پرسیده شد. دامنه پاسخ های دانشجویان مصاحبه شونده به این سؤال بسیار متنوع بود. از خلال داده های حاصل از کدگذاری باز، مفاهیم خودتوصیفی، نظرات دیگران، جایگاه اجتماعی، احساس نسبت به خود، متمایز بودن، مفید بودن و باورهای کارآمدی استخراج گردید. منظور از خودتوصیفی، ارزیابی های کلی دانشجویان پاسخ دهنده از وضعیت خود به عنوان دانشجو بود که در قالب عبارات خود وصفی بیان شدند. این ارزیابی های کلی شامل خود وصفی مثبت، خود وصفی منفی و همچنین شامل ارزیابی فارغ از ارزشگذاری مثبت یا منفی بود. به عنوان نمونه دانشجویی اظهار داشت که: «من نظرم [در مورد دانشجو بودن] مثبت؛ توی زندگی و خاطرات و تجربه هاش که هیچی، فرصت خوبی برای زمان یادگرفتن و تحت حمایت خانواده بودن [هم هست]». دانشجوی دیگری خود را به عنوان «وقت تلف کن ترین موجود» و «علاّف و بیکار» توصیف نمود. دانشجوی دیگری بیان داشت که: «صرف

دانشجو بودن خوبه» و دانشجوی دیگری ابراز داشت که «[نگرشم به دانشجو بودن] خوبه و واقعاً سطح فکریم خیلی نسبت به دبیرستان تغییر کرده». منظور از ارزیابی دیگران، برداشت های دانشجو از نظرات دیگر افراد جامعه اعم از خانواده، اساتید، همکلاسی ها و ... در مورد خود بود. نمونه پاسخی که نشانگر اهمیت نظرات دیگران در برداشت دانشجو از خویش هستند عبارتند از: «خانوادگی وقتی والدین بهت افتخار می کنند حس خوبی هست و باعث می شود اشتیاق داشته باشی بیایی دانشگاه و درست را ادامه بدهی». دانشجوی دیگری در همین زمینه بیان داشت که: «برداشت خانواده و فامیل نسبت به دانشجو اصلاً خیلی خوب نیست همه اکثراً میگویند که دانشجو موجودی است که پول مصرف می کند و سواد هم ندارد». مفهوم جایگاه اجتماعی به برداشت دانشجو از ارزش اجتماعی و جایگاه خویش در جامعه به عنوان دانشجو اشاره می کند. آنچه از خلال کدگذاری مصاحبه های گروه های کانونی استنباط گشت این بود که بنا به نظر بسیاری از مصاحبه شوندگان، افزایش تعداد دانشجویان باعث کاهش ارزش و جایگاه اجتماعی دانشجو در جامعه شده است. به عنوان نمونه، یکی از دانشجویان در این زمینه اظهار نمود که: «الآن همه دانشجو هستند و خصوصاً لیسانس، حس خاصی به آدم نمیده». مفهوم تمایز بودن به باورهای دانشجویان در مورد تفاوت داشتن یا نداشتن نسبت به دیگر افراد جامعه اشاره داشت. به عنوان نمونه دانشجویی با این عبارت که: «مثل دیگرانم فقط چیزی که هست میام سرکلاس و درس میخونم تا مدرکی را بگیرم» به عدم تمایز نسبت به دیگران اشاره نمود که این برداشت در اظهار نظر دانشجوی دیگری که بیان داشت: «دانشجویی مرحله ای روتین از زندگی هست و اتفاق خاصی در زندگی آدم نیست» نیز دیده شد. تعداد زیادی از پاسخ دهندگان به وجود تمایز نسبت به سایر افراد جامعه اشاره نمودند. برای مثال دانشجویی بیان داشت که: «انتظارات جامعه از دانشجو نسبت به سایرین متفاوت هست». دانشجوی دیگری گفت که: «یک ذره حس پیشرفت در دانشگاه نسبت به بقیه و دانش بیشتر». در درون گروه های دانشجویان نیز اظهاراتی مبنی بر قائل بودن به تمایز نسبت به دیگر دانشجویان وجود داشت که شدت آن در دانشجویان پزشکی مشهود بود. به عنوان مثال یکی از آنها بیان نمود که: «از دیگران بالاتر نیستیم ولی کلاً به فیلد جدا هستیم» یا دیگری گفت که: «رشته های دیگر یک شغل و یک رشته هست ولی رشته ما یک سبک زندگی هست و کلاً همه چیز را متفاوت می کند». مفهوم مفید بودن به

باورهای دانشجویان در مورد کارآمدی فعلی و همچنین کارآمدی آنها در آینده اشاره دارد. به عنوان مثال دانشجویی بیان داشت که: «شاید الآن حس خاصی ندارم ولی بالاخره باید جایی یک باری از روی دوش جامعه برداریم». دانشجویی صریحاً ابراز نمود که: «احساس مفید بودن نداریم». دانشجوی دیگری نیز با اشاره به آینده اظهار نمود که: «اگر انسان حس کند قرار است بعدش ارزشمند باشد و به یک جایی برسد و کار مفیدی بکند، قطعاً حس خوبی پیدا می کند». باورهای کارآمدی به نظرات دانشجوی، در مورد میزان تسلط خویش بر مبانی نظری و عملی در رشته تحصیلی خود اشاره داشت. به عنوان مثال دانشجویی اظهار نمود که: «استادها میان کلاس [و میگویند] فلان کار را انجام بدید در آمدش خوبه، ولی بلد نیستیم». دانشجوی دیگری نیز بیان داشت که: «از لحاظ نظری قوی و از لحاظ عملی ضعیف هستیم». به این ترتیب و با توجه به نظرات شرکت کنندگان در جریان تحلیل و تجمیع مصاحبه‌ها و کدگذاری، و همچنین شناسایی شدن شش مفهوم خودتوصیفی، نظرات دیگران، جایگاه اجتماعی، احساس نسبت به خود، متمایز بودن، مفید بودن و باورهای کارآمدی، اولین مؤلفه هویت تحصیلی، عنوان خودپنداشت تحصیلی^{۱۰} تعیین شد.

از آنجایی که در جریان پاسخ به پرسش اول و بحث و تبادل نظر در اولین گروه کانونی، اظهارنظرهای دانشجویان، ارجاع‌های مکرری به رشته تحصیلی آنان داشت، در سؤال بعدی نظر دانشجویان در مورد رشته تحصیلی شان پرسیده شد. پرسش مشخص این بود که:

«آیا به رشته تحصیلی خود احساس تعلق دارید؟ چرا؟»

منظور از «حس تعلق»^{۱۱} به رشته تحصیلی، میزان علاقمندی، رضایتمندی و احساس افتخار نسبت به رشته تحصیلی بود. پاسخ‌های دانشجویان مصاحبه‌شونده به پرسش فوق در دو دسته جای گرفت:

۱. دانشجویان دارای حس تعلق به رشته تحصیلی خود: پاسخهای این گروه از دانشجویان، نشانگر علاقمندی و رضایت آنها از رشته تحصیلی خود و افتخار کردن به آن بود. به عنوان نمونه دانشجویی اظهار داشت که: «رشته/م را دوست دارم». دانشجوی دیگری بیان نمود که «به رشته تحصیلی خودم احساس تعلق دارم» که نشانگر اعتقاد به پرطرفدار بودن رشته تحصیلی خود در جامعه و ارزیابی مثبت دیگران از آن است.

۲. دانشجویان فاقد حس تعلق به رشته تحصیلی خود: پاسخ های این دسته از دانشجویان نشانگر عدم علاقه و رضایت و همچنین عدم احساس افتخار به رشته تحصیلی خود بود. به عنوان مثال دانشجویی بیان داشت که: «رشته تحصیلی ام را دوست نداشتم و هنوزم دوست ندارم». دانشجوی دیگری ابراز نمود که: «اصلاً [به رشته تحصیلی ام] افتخار نمی کنم». عناصر اصلی در دارا بودن یا فقدان حس تعلق به رشته تحصیلی عبارت بودند از: دیدگاه جامعه و ارزیابی دیگران از رشته تحصیلی، وضعیت شغلی آینده و درآمد آینده رشته تحصیلی. نکته قابل توجه این بود که میزان تعلق به رشته تحصیلی، به نحو چشمگیری با توجه به رشته تحصیلی دانشجو تغییر می کرد. به عنوان مثال کلیه دانشجویان گروه پزشکی و گروه دندانپزشکی اعلام نمودند که دارای حس تعلق به رشته تحصیلی خود هستند در حالی که میزان تعلق به رشته تحصیلی در دانشجویان رشته های فنی-مهندسی، علوم انسانی و علوم کشاورزی متنوع و متفاوت و بر روی پیوستاری از احساس عدم تعلق به رشته تحصیلی تا احساس تعلق به آن بود.

○ به دلیل مشخص شدن نقش مؤثر نوع رشته تحصیلی دانشجویان در حس تعلق آنان به رشته و برای دستیابی به یافته های بیشتر در این زمینه، پرسش بعدی مصاحبه ها در مورد ملاک های انتخاب رشته دانشجویان شرکت کننده در گروه های کانونی بود و به طور مشخص از آنها پرسیده شد که:

«رشته تحصیلی خودتان را بر چه اساسی انتخاب کردید؟»

بررسی و تحلیل پاسخ ها، نشانگر این بود که عوامل اصلی در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان شامل: علاقه شخصی، توجه به نظرات دیگران به ویژه نظرات والدین، درآمد آینده رشته، وضعیت شغل آینده رشته، احساس مفید بودن، جایگاه اجتماعی رشته تحصیلی در جامعه، میزان شناخت قبلی از رشته، بررسی و کاوش در مورد رشته قبل از انتخاب آن و همچنین چاره ناپذیری و احساس الزام و اجبار از سوی دیگران می باشند. برخی از دانشجویان علی رغم عدم شناخت از رشته تحصیلی و همچنین عدم علاقه به آن، رشته تحصیلی خود را انتخاب نموده بودند و اکنون نیز علیرغم فقدان احساس تعلق به رشته تحصیلی در حال تحصیل در آن رشته بودند. برخی از دانشجویان نیز بیان داشتند که پس از انتخاب رشته تحصیلی خود و تحصیل در آن، به رشته تحصیلی خود علاقه مند شده اند همچنان که برخی

دیگر نیز رشته تحصیلی خود را در تضاد با تصورات مثبت پیشین خود از آن دیده و اکنون از آن ناراضی بودند. برای نمونه پاسخ های متنوع دانشجویان به این پرسش می توان به این موارد اشاره کرد: «من نردم، مشاور زد»، «جای دیگه ای قبول نشدم»، «واسه اینکه پیش خواهرم باشم همه رشته ها رو [توی این دانشگاه ازدم]»، «همینجوری زدم. کنکور نادم و بر اساس معدل اومدم و سوابق تحصیلی». برای تکمیل اطلاعات در مورد عوامل مربوط به رشته، در پرسش بعدی از دانشجویان شرکت کننده در مصاحبه، در خصوص اینکه آیا تصمیم به ادامه تحصیل در مقطع بالاتر دارند یا خیر سؤال گردید و به طور مشخص پرسیده شد که:

«آیا قصد ادامه تحصیل دارید؟»

پاسخ های اکثریت دانشجویان به این پرسش کوتاه و مثبت و پاسخ برخی نیز منفی یا مشروط بود. به عنوان مثالی از عدم تصمیم به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر دانشجویی اظهار داشت که: «اصلاً ادامه تحصیل نمیدم» و به عنوان مثالی از پاسخ مشروط دانشجویی گفت که: «در صورت داشتن کار نه». همچنین برخی از دانشجویان نیز هنوز در این مورد تصمیمی نگرفته بودند مانند این اظهار نظر از یکی از دانشجویان که گفت: «هنوز مشخص نیست ولی احتمال دارد». برخی از آنها دلایلی را نیز برای تصمیم خود برشمردند از جمله اینکه: «مدرک گرفتن چیز بادی نیست و بهش نیاز داریم». دانشجویی نیز با اشاره به آینده، عنوان نمود که: «به امید روزنه ای در آینده [در مقطع ارشد ادامه تحصیل میدم]». یکی دیگر از دانشجویان هم اظهار داشت که: «دکترا بگیریم می رویم سرکار». یکی از دانشجویان پزشکی عمومی نیز بیان داشت که: «بله، مثل یه باتلاق می ماند و باید ادامه تحصیل بدیم چون پزشکی عمومی جایگاه خاصی نداره، پزشکی یا صفر هست یا صد و چیزی بینش نداره».

بررسی و تحلیل پاسخ های فوق در مورد تصمیم به ادامه تحصیل در مقطع بالاتر نیز نشانگر نقش مؤثر شغل آینده در اتخاذ این تصمیم می باشد.

○ با توجه به اشاره مکرر دانشجویان در سؤالات قبلی به وضعیت آینده و نقش پررنگ آن در اظهارات قبلی دانشجویان، این سؤال برای دستیابی به آگاهی بیشتر در مورد دیدگاه دانشجویان راجع به آینده خود، از آنها پرسیده شد که:

«آینده خودتان را در این رشته چطور پیش بینی می کنید؟»

بررسی پاسخ‌ها به این سؤال بیانگر تفاوت میان دانشجویان رشته غیر پزشکی با رشته‌های پزشکی بود. درحالی‌که دیدگاه اکثر دانشجویان غیرپزشکی در مورد آینده، حاکی از ناامیدی، تردید و ابهام نسبت به آینده بود، دیدگاه دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی کاملاً متفاوت و حاکی از رضایت، امیدواری و اطمینان به آینده شغلی خویش بود. به‌عنوان نمونه یکی از دانشجویان غیرپزشکی اظهار داشت که: «هیچ / امیدى ندارم و / امیدم به دکتر است». یکی دیگر از آنها گفت که: «درآمد آینده رشته من کمتر از رشته‌های دیگر هست». دانشجویی نیز آینده خود را «متوسط رو به بالا» پیش‌بینی نمود. دانشجوی دیگری اظهار داشت که: «نسبت به آینده رشته‌ام / ناامیدم». دانشجوی دیگری بیان داشت که: «بستگی داره به اینکه چطور در مورد آینده‌ام فکر کنم، اگه فکر کنم که الان فقط قرار است درس بخوانم و کاری نکنم، قطعاً احساس خوبی ندارم».

با توجه به پاسخ‌های داده شده در مورد رشته تحصیلی، پس از کدگذاری باز و شناسایی مفاهیم و با انجام کدگذاری محوری، ابتدا مؤلفه «تعلق به رشته تحصیلی» به‌عنوان یکی از مقوله‌های زیر مجموعه مقوله اصلی شناسایی و نامگذاری گردید ولی با توجه به نقش اساسی آینده در اظهارات و پاسخ‌های دانشجویان، مؤلفه آینده‌اندیشی که شامل امید کلی به آینده، مشغولیت ذهنی درباره آینده، اندیشیدن به شغل آینده و اندیشیدن به درآمد آینده می‌شود، به‌عنوان یک مقوله فرعی در نظر گرفته شد و مقوله تعلق به رشته تحصیلی به‌عنوان زیرمجموعه مؤلفه فرعی تعلق قرار گرفت. برای پی بردن به نقش دانشگاه در احساس هویت تحصیلی دانشجویان، برداشت آنها از دانشگاه محل تحصیلشان مورد سؤال قرار گرفت و از آنها پرسیده شد که:

«آیا به دانشگاه خود احساس تعلق دارید؟ چرا؟»

منظور از احساس تعلق به دانشگاه در این سؤال، میزان علاقمندی، رضایتمندی و احساس افتخار نسبت دانشگاه محل تحصیل است. پاسخ‌های دانشجویان مصاحبه‌شونده به این پرسش نیز در دو گروه الف: دارای حس تعلق به دانشگاه و ب: عدم احساس تعلق به دانشگاه خود جای گرفت. اظهارات حاکی از احساس تعلق یا عدم تعلق دانشجویان به دانشگاه خود و همچنین دلایل آنها برای این وجود یا عدم احساس تعلق بسیار متنوع بود. به‌عنوان نمونه دانشجویی بیان داشت که: «دانشگاه امکانات و فرصت کار عملی نمی‌دهد».

دانشجوی دیگری نیز گفت که: «حس خوبی به دلیل محیط [دانشگاه] نداریم در صورتی که علاقه به رشته هست». یکی از دانشجویان با بیان اینکه: «استادها مون خوبند» به نقش اساتید در احساس تعلقش به دانشگاه خود اشاره نمود. دانشجوی دیگری شهر محل استقرار دانشگاه را دلیل احساس تعلق خود به دانشگاه عنوان نمود و اظهار داشت که: «به شخصه از شهر [محل استقرار دانشگاه] خوشم میاد و حسم را خوب می‌کند» و برخلاف وی دانشجوی دیگری عنوان داشت که: «بیشترین حس بدمون اینه که در این شهریم». یکی از دانشجویان با اظهار این جمله که: «به دانشگاه خود حس تعلق نداریم».

لازم به ذکر است که کلیه دانشجویان رشته دندان پزشکی شرکت کننده در مصاحبه اظهار نمودند که «اصلاً احساس تعلق به دانشگاه خود نداریم». دانشجویان پزشکی نیز همین نوع اظهار نظر را داشتند. به عنوان مثال یکی از آنها گفت: «احساس خوبی ندارم و دوست داشتم شهر دیگری باشم». دانشجوی دیگری نیز با اشاره به شهر محل استقرار دانشگاه اظهار داشت که: «مطمئناً دانشجوی پزشکی تهران بودن حس بهتری داشت ولی اینجا هم حس بدی نمی‌دهد». پس از تحلیل خرد پاسخ‌های داده شده به این سؤال، مؤلفه «تعلق به دانشگاه» نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت تحصیلی دانشجویان شناسایی و نامگذاری گردید. برای بررسی بیشتر نقش انگیزشی هویت تحصیلی دانشجویان، از دانشجویان شرکت کننده در پژوهش پرسیده شد که:

«چرا بعضی از دانشجویان درس خواندن را جدی می‌گیرند و بعضی این کار را نمی‌کنند؟»

پاسخ‌های دانشجویان به این سؤال نیز از تنوع زیادی برخوردار بودند. از خلال بررسی و تحلیل اظهارات دانشجویان در مورد این پرسش در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم جدید در درس خواندن، انگیزه مندی، هدفمندی و اولویت بخشی به تحصیل استخراج گردید. برای نمونه یکی از دانشجویان در مورد دلیل جدی نگرفتن دروس توسط برخی دانشجویان گفت که: «چون بی‌انگیزه هستند و ناامید هستند و دیدشون منفی است». دانشجوی دیگری با گفتن اینکه: «چون علاقه دارند» به علاقمندی درس خوانها به درس خواندن اشاره کرد. دانشجویی نیز با اظهار اینکه: «صرفاً علاقه نیست چون وقتی [می‌خواهی بروی] سرکار باید معدلت خوب باشد» به لزوم داشتن معدل درسی خوب برای شغل آینده اشاره کرد. دانشجوی دیگری نیز به مسئله امید به شغل آینده اشاره کرد و گفت: «امید به فردا که باشد یا

نباشد کارش». از خلال تحلیل خُرد و در مرحله کدگذاری محوری، پس از بازچینش مفاهیم به دست آمده از مرحله کدگذاری باز، تعهد تحصیلی^{۱۲} به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های هویت تحصیلی دانشجویان، شناسایی و نامگذاری گردید.

همچنین در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم احساس اثرگذاری شخصی، آزادی عمل، تصمیم‌گیری و انتخاب فردی، از خلال پاسخ‌های دانشجویان به سؤالات پیشین شناسایی گردیدند. در ترکیب این مفاهیم در جریان تحلیل خُرد و کدگذاری محوری، مؤلفه «عاملیت شخصی» نیز به عنوان یکی از مقوله‌های تشکیل دهنده هویت تحصیلی دانشجویان، شناسایی و نام گذاری گردید. به عنوان نمونه، یکی از دانشجویان با اشاره به انتخاب مسیر تحصیل

جدول ۲. مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله اصلی حاصل از کدگذاری

مفاهیم حاصل از کدگذاری باز	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
خود توصیفی	خودپنداشت تحصیلی	هویت تحصیلی
ارزیابی دیگران		
جایگاه اجتماعی		
احساس نسبت به خود		
متمایز بودن		
مفید بودن		
باورهای کارآمدی		
امید کلی به آینده	آینده اندیشی	
مشغولیت ذهنی درباره آینده		
درآمد اندیشی		
شغل اندیشی		
جدیت در تحصیل		
انگیزه مندی	تعهد تحصیلی	
هدفمندی		
اولویت		
علاقه و رضایت از رشته		
علاقه و رضایت از دانشگاه		
افتخار کردن به رشته	تعلق	
افتخار کردن به دانشگاه		
احساس اثرگذاری شخصی		
آزادی عمل		
تصمیم‌گیری و انتخاب فردی		
	عاملیت شخصی	

در دانشگاه بیان نمود که: «مسیری هست که انتخاب کردیم و نمی‌شود گفت توش اجباری هست». دانشجوی دیگری اظهار داشت که: «هرکسی که در کشور به جایی رسیده از طریق پشتکار بوده» که به مفهوم اثرگذاری شخصی اشاره میکرد. یکی دیگر از دانشجویان اظهار نمود که: «آزادی و استقلال فکری دانشجو برای ما حس خوبی می‌آورد».

با عنایت به تحلیل و کدگذاری مجموع داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده با دانشجویان در گروه‌های کانونی، پنج مؤلفه برای هویت تحصیلی دانشجویان شناسایی و نام‌گذاری گردید که مؤلفه‌های مذکور در جدول ۲ تحت عنوان مقوله‌های فرعی ذکر گردیده‌اند.

در پژوهش حاضر، به توجه به مؤلفه‌های پنج‌گانه تشکیل دهنده هویت تحصیلی، تعریف هویت تحصیلی دانشجو عبارت است از: ادراک دانشجو از جایگاه و ارزش اجتماعی خود، احساسات او نسبت به ویژگی‌های تحصیلی، انتظارات از آینده‌ی تحصیلی-شغلی، میزان تعلق خاطر به دانشگاه و ادراک از توانمندی و اثربخشی شخصی در زمینه تحصیلی تعریف گردید. در این تعریف، منظور از «ویژگی‌های تحصیلی» مواردی مانند نوع و رتبه دانشگاه، نوع رشته تحصیلی، شهر محل استقرار دانشگاه و مقطع تحصیلی می‌باشد. این تعریف از هویت تحصیلی، دربرگیرنده هر دو جنبه فردی و اجتماعی از هویت می‌باشد.

● بحث و نتیجه‌گیری

○ هدف این پژوهش، «مفهوم‌سازی و شناسایی مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت تحصیلی دانشجویان ایرانی» بود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مشخص شد که «هویت تحصیلی» دانشجویان ایرانی از پنج مؤلفه شامل «خودپنداشت تحصیلی»، «تعهد تحصیلی»، «آینده‌اندیشی»، «تعلق به دانشگاه» و «عام‌لیت شخصی» تشکیل شده است. مؤلفه «خودپنداشت تحصیلی» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت تحصیلی دانشجویان در پژوهش حاضر در قالب مفاهیم خودتوصیفی، ارزیابی دیگران، جایگاه اجتماعی، احساس نسبت به خود، متمایز بودن، مفیدبودن و باورهای کارآمدی کدگذاری، شناسایی و طبقه‌بندی گردید. هر یک از این مفاهیم به تنهایی در پژوهش‌های متیوز (۲۰۱۴)، آزیورن و جونز (۲۰۱۱)، پاسکارلا و ترنرینی (۲۰۰۵) و عباسی (۱۳۹۳) مطرح گردیده‌اند و با یافته‌های آنها همسو می‌باشند لیکن در پژوهش حاضر پس از انجام کدگذاری محوری تحت مفهوم کلی‌تر خودپنداشت

تحصیلی قرار گرفتند. یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت تحصیلی دانشجویان که در جریان این پژوهش شناسایی گردید مقوله «تعهد تحصیلی» بود. مفهوم احساس تعهد یکی از ملاک‌هایی است که از نظریه هویت/ریکسن به دست آمده است و شامل تعهد نسبت به ارزش‌ها، عقاید و اهداف است (برک، ۱۳۹۵). تانبورگ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود و از خلال مصاحبه با دانشجویان دریافتند که انگیزه‌ها و تعهد به آموزش عالی دو جنبه از هویت دانشجویی هستند. شناسایی تعهد تحصیلی به‌عنوان بخشی از هویت تحصیلی دانشجویان علاوه بر همخوانی با مفهوم تعهد در نظریات هویت/ریکسن و ماریسیا، با یافته‌های پژوهش تانبورگ و همکاران (۲۰۱۳) نیز همسو می‌باشد.

○ «مشغولیت فکری به آینده» یکی از بارزترین عناصری بود که در جریان کدگذاری داده‌های کیفی پژوهش حاضر قابل شناسایی بود. مؤلفه‌ی آینده‌اندیشی که بر اساس یافته‌های این پژوهش شامل امید کلی به آینده، مشغولیت ذهنی درباره‌ی آینده، اندیشیدن به شغل آینده و اندیشیدن به درآمد آینده می‌شود به‌ویژه در پاسخ‌های دانشجویان به پرسش از آنها در مورد رشته تحصیلی شان مشهود بود. با توجه به تفاوت وضعیت شغلی و درآمد آینده رشته‌های مختلف در ایران، مؤلفه‌ی آینده‌اندیشی در بین دانشجویان رشته‌های مختلف کاملاً متفاوت بود. شناسایی مؤلفه‌ی آینده‌اندیشی به‌عنوان یکی از عناصر هویت تحصیلی دانشجویان با یافته‌های پژوهش دکانیدا (۲۰۱۴) و دیدگاه/ویسرمن و دستین (۲۰۱۰) همسو است. مؤلفه‌ای که تحت عنوان تعلق به دانشگاه از خلال تحلیل و کدگذاری داده‌های پژوهش شناسایی گردید، به میزان علاقمندی، رضایتمندی و احساس افتخار دانشجویان نسبت به دانشگاه محل تحصیلشان اشاره می‌کند. آنچه در خلال مصاحبه با دانشجویان مشهود بود، این بود که میزان علاقمندی، رضایتمندی و احساس افتخار آنها نسبت به دانشگاه محل تحصیلشان نقش مهمی در احساس هویت تحصیلی آنها داشت و در میان عناصر مربوط به دانشگاه نیز برند بودن و مشهور بودن آن از عناصر اصلی در افزایش یا کاهش حس تعلق دانشجویان نسبت به دانشگاه خود بود. پژوهش‌های پیشین بر نقش احساس تعلق در احساس هویت دانشجویان تأکید داشته‌اند. برای مثال، فوگِل و هیومن-فوگِل (۲۰۱۸) با اشاره به رابطه بین هویت دانشجویان و احساس تعلق آنها، دریافتند که احساس هویت دانشجویان به‌طور گسترده‌ای حس تعلق آنها به دانشگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

○ پاسکارلا و ترنرینی (۲۰۰۵) نیز تجارب سال اول دانشگاه را نشانگرهای مهمی برای ماندگاری و بقا در دانشگاه می‌دانند. همچنین از نظر رمزی و براون (۲۰۱۸) احساس تعلق، جنبه ای جدایی ناپذیر از موفقیت در تحصیلات دانشگاهی است. شناسایی مؤلفه تعلق به دانشگاه به‌عنوان عاملی مؤثر و جنبه‌ای از هویت تحصیلی دانشجویان در این پژوهش با دیدگاه‌ها و یافته‌های آزیورن و جونز (۲۰۱۱) و بیتمن و ریچموند (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. متیوز (۲۰۱۴) نیز تعلق را جنبه‌ای از هویت تحصیلی دانسته است. یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت تحصیلی دانشجویان که در پژوهش حاضر و از خلال کدگذاری باز و محوری شناسایی گردید، مؤلفه عاملیت شخصی بود. مفهوم «عاملیت شخصی»^{۱۳} یا «دراک کتترل»^{۱۴} در نظریه شناختی - اجتماعی بندورا به توانایی فرد در کنترل رویدادهای زندگی خود گفته می‌شود. سازه عاملیت شخصی شامل خودکارآمدی و انتظارات پیامد است (خلخالی، ۱۳۹۶).

○ در پژوهش حاضر، مفهوم «عاملیت شخصی» به‌عنوان یکی از مقوله‌های تشکیل دهنده هویت تحصیلی دانشجویان، از خلال پاسخ‌های دانشجویان به اکثریت سؤال‌های مصاحبه‌ها قابل شناسایی بود و کدگذاری آن نسبت به سایر مؤلفه‌ها نیز با اطمینان و سهولت بیشتری انجام شد. میزان توجه دانشجویان به مفهوم عاملیت شخصی، در پاسخ‌ها و اظهارات فراوان آنها درباره احساس وجود یا فقدان اثرگذاری شخصی، آزادی عمل، تصمیم‌گیری و انتخاب فردی قابل مشاهده بود. برداشت از مسیر دانشجو شدن به‌عنوان مسیری که اختیاری یا غیر اختیاری بوده، تأکید بر لزوم پشتکار شخصی برای پیشرفت، احساس مثبت نسبت به داشتن آزادی و استقلال فکری به‌عنوان دانشجو، ابراز تردید در مورد توانایی اثرگذاری بر آینده خود، ابراز نارضایتی از نداشتن آزادی عمل در برنامه درسی، تأکید بر تحصیل در رشته‌ای که منجر به شغل مستقل در آینده گردد، رضایت از اختیار و آزادی عمل بیشتر در دانشگاه نسبت به دوره دبیرستان و رضایت از اینکه می‌توانند زندگی خود را کنترل کنند، نمونه‌هایی از اشارات گسترده دانشجویان شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها به مفهوم عاملیت شخصی بود. برخی از پژوهش‌های پیشین نیز به رابطه بین هویت دانشجویان و عاملیت شخصی اشاره داشته‌اند. برای مثال، مک‌کاپلین و اموندسن (۲۰۰۹) دریافتند که ایجاد فرصت‌هایی برای «هویت جمعی» که در آن دانشجویان به‌عنوان عاملیت‌های مثبت در بهبود تجربیات دکترای خود عمل نمایند، ارزشمند هستند. افرسیابی و خوبیاری (۱۳۹۴) نیز دریافتند که قدرت انتخاب فرد در دانشجو

شدن و گزینش رشته تحصیلی خویش، می تواند بر هویت دانشجویی وی تأثیر بگذارد. بنا به نظر ترنر و توپیل (۲۰۱۸) ناتوانی در مشارکت در فعالیت های ارزشمند (و اغلب ضمنی) دانشگاهی تأثیر منفی بر هویت دانشجو داشته و منجر به بازداری در مشارکت کامل می شود. همچنین شناسایی عاملیت شخصی به عنوان یکی از مؤلفه های هویت تحصیلی، با یافته های پژوهش *دانهام* (۲۰۱۶) که باورهای عاملیت را به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده هویت تحصیلی شناسایی نمود، همسو می باشد.



یادداشت ها

- | | |
|---------------------------|-------------------------------|
| 1. academic identity | 2. professional identity |
| 3. Winters | 4. college-bound identity |
| 5. Feuerberg | 6. school-affiliated identity |
| 7. achievement indicators | 8. agency- beliefs |
| 9. social identity theory | 10. academic self-concept |
| 11. belonging | 12. academic commitment |
| 13. personal agency | 14. perceived control |

● منابع

احمدی، پری (۱۳۹۴) بررسی مقایسه ای روابط ساختاری خودکارآمدی تحصیلی، هویت تحصیلی، هوش هیجانی با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دختر مدارس عادی و تیزهوش پایه اول دبیرستان های تبریز. دانشگاه ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد.

اشتراوس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۶). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.

افراسیابی، حسین؛ خوباری، فهیمه (۱۳۹۴). هویت دانشجویی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه های یزد. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۱(۴): ۱۹-۱.

بازرگان، عباس (۱۳۹۱). مقدمه ای بر روش های پژوهش کیفی و آمیخته. تهران: نشر دیدار.

برک، لورا؛ هولی، جین (۱۳۹۵). روانشناسی رشد (نوجوانی، انتقال به بزرگسالی) (جلد ۲). ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران.

خلخال، وحید (۱۳۹۶). نظریه های نوین انگیزش در آموزش و پرورش. تهران: نشر آردمان.

رضازاده مهرجو، مریم (۱۳۹۴). رابطه سبک های تفکر، سبک های دلبستگی و جو عاطفی خانواده با هویت تحصیلی دانش آموزان. دولتی - وزارت علوم، پایان نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه محقق اردبیلی -

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴). *روانشناسی رشد نوجوان: دیدگاه تحوّل*. تهران: نشر علم.

غلامی، مهدی (۱۳۹۴). *نقش کمال گرایی در رابطه هویت تحصیلی با اهمال کاری پژوهشی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی*. دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. پایان نامه کارشناسی ارشد.

گزیدری، ابراهیم؛ غلامعلی لواسانی، مسعود، اژه‌ای، جواد (۱۳۹۴). *رابطه هویت تحصیلی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با اهمالکاری تحصیلی در میان دانش آموزان*. *مجله روانشناسی*، ۱۹ (۴): ۳۶۲-۳۴۶.

Bowman, N. A., & Felix, V. (2017). It's Who I Am: Student identity centrality and college student success. *Journal of Student Affairs Research and Practice*, 54 (3), 235-247.

Brzeski, A. (2017). Literacy practices, identity and engagement: Integrating multifaceted identities of college students to support learning. *Research in Post-Compulsory Education*, 22(3), 391-408.

Camacho, M., Minelli, J., & Grosbeck, G. (2012). Self and Identity: Raising undergraduate students' awareness on their digital footprints. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 3176-3181.

Chorba, K. Was, C. , & Isaacson , R. M (2012) "Individual differences in academic identity, self-handicapping, and anxiety in undergraduate college students, *Individual Differences Research*, 10(2), 60-68.

DeCanida, G.M. (2014). *Relationships between academic identity and academic achievement in low-income urban adolescents*. An unpublished thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Psychology, The State University of New Jersey.

Duffy, R. (2013). Nurse to educator? Academic roles and the formation of personal academic identities. *Nurse Education Today*, 33(6), 620-624.

Dunham, N. (2016). *The academic identity of students in early childhood field-based initial teacher education*. An unpublished thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy (Education), Unitec Institute of Technology.

Hawkins, M. (2005). Becoming a student: Identity work and academic literacies in early schooling. *TESOL Quarterly*, 39(1), 59-82.

Jensen, D. H. & Jetten, J. (2016). The importance of developing students' academic and professional identities in higher education. *Journal of College Student Development*. 57(8), 1027-1042.

- Jensen, D. H., & Jetten, J. (2018). Exploring interpersonal recognition as a facilitator of students' academic and professional identity formation in higher education. *European Journal of Higher Education*, 8(2), 168-184.
- Karanauskiene, D. & Kardelis, K. (2005). The relationship between students' academic identity and academic achievements. *Social Sciences*, 47 (1), 62-70.
- Komarraju, M., & Dial, C. (2014). Academic identity, self-efficacy, and self-esteem predict self-determined motivation and goals. *Learning and Individual Differences*, 32, 1-8.
- Matthews, J. S. (2014). Multiple pathways to identification: Exploring the multidimensionality of academic identity formation in ethnic minority males. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*. Advance online publication.
- McAlpine, L., & Amundsen, C. (2009). Identity and agency: Pleasures and collegiality among the challenges of the doctoral journey. *Studies in Continuing Education*, 31(2), 109-125.
- Meens, E. E. M., Bakx, A. W. E. A., Klimstra, T. A., & Denissen, J. J. A. (2018). The association of identity and motivation with students' academic achievement in higher education. *Learning and Individual Differences*, 64, 54-70.
- Ommundsen, Y., Haugen, R., & Lund, T. (2005). Academic self-concept, implicit theories of ability, and self-regulation strategies. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 49(5), 461-474.
- Osborne, J. W., & Jones, B. D. (2011). Identification with academics and motivation to achieve in school: How the structure of the self influences academic outcomes. *Educational Psychology Review*, 23(1), 131-158.
- Pascarella, E. T., & Terenzini, P. T. (2005). *How college affects students: A third decade of research*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Pittman, L. D., & Richmond, A. (2007). Academic and psychological functioning in late adolescence: The importance of school belonging. *Journal of Experimental Education*, 75, 270-290.
- Quigley, S. A. (2011). Academic identity: A modern perspective. *Educate: The Journal of Doctoral Research in Education*, 11(1), 20-30.
- Ramsey, E., & Brown, D. (2018). Feeling like a fraud: Helping students renegotiate their academic identities. *College & Undergraduate Libraries*, 25(1), 86-90.
- Shehni Yailagh, M. Abbasi, M. R Behrozi, N. Alipour, S. & Haji Yakhchali, A. (2014). Relationship between self-determination and academic identity in the elementary students. *Psychology and Behavioral Sciences*. 3(2), 51-54.

- Strayhorn, T. (2016) *Transition to higher education – in search of belonging. in: How higher education feels. Imagination and praxis (Criticality and creativity in education and educational research)*. SensePublishers, Rotterdam.
- Thunborg, C., Bron, A., & Edström, E. (2013). Motives, commitment and student identity in higher education—experiences of non-traditional students in Sweden. *Studies in the Education of Adults*, 45(2), 177-193.
- Turner, L., & Tobbell, J. (2018). Learner identity and transition: An ethnographic exploration of undergraduate trajectories. *Journal of Further and Higher Education*, 42(5), 708-720.
- Vogel, F. R., & Human-Vogel, S. (2018). The relevance of identity style and professional identity to academic commitment and academic achievement in a higher education setting. *Higher Education Research & Development*, 37(3), 620-634.
- White, J. W., & Lowenthal, P.R. (2011). Academic discourse and the formation of an academic identity: Minority college students and the hidden curriculum. *Review of Higher Education*, 34(2).

